

تمامه مطبوعات غیر از کتب ظلال و مواد مضره بدین مبین آزاد و ممیزی در آنها ممنوع است.

اصل بیستم متمم قانون اساسی

جبهه ملی ایران

استقرار حکومت ملی

جبهه ملی ایران

شماره (۲) نهم روزین جمعه ۱۳۵۷

مقدمش یارب مبارک بساد.....

همزمان با ادعاهای "دستگاه استبداد" در مورد آزادی مطبوعات و نبودن سانسور و خشخیزهای مربوط به آن در فرستنده های راد یوتلوویزیونی ، نویسندگان و کارکنان و کارگران زحمتکش مطبوعات ایران ، تحت شدیدترین فشارهای مستقیم و غیرمستقیم ، ساواک و فرمانداری نظامی و گماشتگان وزارت اطلاعات قرارداد هر روز پرغم نمایشهای ریاکارانه "دولت آشتی ملی" در کلیه مراحل ذوقی و عملی که هر روزنامه نگاری با داشتن آزادی تمام می تواند در - انجامش کوشش نماید ، "دستورالعملهای" گوناگون صادر میگردد در روزهای اخیر ، سختگیری و نظارت مفرطانه استبداد ، دامنه ای وسیع تر پدید آورد و چون گذشته بقول اعتضایان شامل "چاپ یا عدم چاپ ، انتخاب تیترو موضوع و حتی اندازه های حروف و ستون و همچنین قلب واقعیتها" کردید .

نویسندگان روزنامه های ایران که در شرایط بسیار سخت کتونی هم در سنگرد فاع از حیثیت و شرافت خود نشسته اند و هم مجبورند بزندگی طاقت فرسای اقتصادی ، سروسامان نسبتاً ابرومندی دهند ، طی سالهای اخیر در "جنبش" این تضاد ، خون دل خوردند و تا آنجا که توانستند از زیر بار تحمیلهای صاحبان قدرت ، خود را دورنگاه داشتند و هنوز هم در این راه مردانه گام بر میدارند . شرایط سانسور و خفقان بهمان وضع سابق یا برجاست و - تنهاتفاوت در اینست که در دولت منحوس هوید ادعای حرمت قلم و آزادی مطبوعات باین شدت وحدت گوش فلک را کر نمی کرد . بزبان دیگر سیستم نظارت بر مطبوعات روندی پدید کرده است که باین برخی مطالب و مثله کردن پاره ای گفتار و جایجایی عنوانها و درشت و ریز کردن آنها بظاهرا "دیوار سانسور" شکسته است و در باطن ، در درداشتن عموم از واقعیتها و یادادن خط های انحرافی و گمان سازیهای سیاسی شدت بیشتری یافته است .

نویسندگان مطبوعات ایران در قطعنامه خود در نوزدهم مهرماه براساسی اعلام داشته اند :
"فشار بحدی است که متاسفانه در این فضای مسموم هیچ گاه نمیتوان مطبوعات منزله و سالمی به پیشگاه ملت شریف ایران عرضه کرد ، هرچند که نویسندگان می کوشند که واقعیتها را بچاپ برسانند توسط مقامات دولتی و انتظامی
پتیه در صفحه ۲

دانش و آزادی و فضل و مروت

جریان اعتصاب کادرهای مبارز مطبوعاتی

از مدتها پیش سختگیریها و نظارتها و "دستورالعملهای" جورا جور دستگاه های انتظامی / ساواک و وزارت اطلاعات موقعیت حساس و حتی قابل انفجاری در جامعه مطبوعاتی ایران بوجود آورد ، بود . این وضع ناگوار سرانجام اعتصاب سازنده و بسیار موثری را بوجود آورد که نظریا اهمیت اجتماعی و سیاسی آن و دفاع از این گروه متفکر و زحمتکش که هم اکنون با قلم خود به نبرد با اهریمنان قداره پدید برخاسته اند ، جبهه ملی ایران به انتشار جریان این پیاختصاصی مبادرت کرد .

پیش در آمدی بر اعتصاب:

ساعت ۱۰/۴۵ دقیقه بامداد سه شنبه ۱۸ مهرماه ماموری یاد رجه سرهنگی از طرف فرمانداری نظامی تهران بجه اداره روزنامه اطلاعات رفته و پس از گفتگوی با یکی از اعضای هیأت سردبیری و رسیدن چندین سؤال در برامون روزنامه و نحوه پخش آن در تهران و شهرستانها بجا گفتن جمله (باز هم خدمت میرسم) - اداره روزنامه را - ترک کرده است . در قایقی بعد مامور دیگری با درجه سرتیپی با اداره روزنامه میاید و همان سئوالا ک را مطرح میکند و خواستار میشود که روزنامه را قبل از چاپ باید ببیند و آنگاه بسان مامور نخستین اداره را ترک می کند .

سانسور مطبوعات توسط نظامیان:

فرمانداری نظامی تهران و حومه با فرستادن دو مامور با درجه سرگردی و سرهنگی به روزنامه های کیهان و اطلاعات در روز چهارشنبه تصمیم میگیرد که در قیقا چاپ روزنامه های کثیرالانتشار عصر ایران را زیر نظر داشته باشند و چاپ هرگونه مطلب و عکسی بانظر مستقیم آنان انجام گیرد . ورود ماموران نظامی به روزنامه های کیهان و اطلاعات حدود ساعت اصبح یعنی درست هنگام فعالیت کاتر تحریری سبب می شود که نویسندگان ، خبرنگاران ، عکاسان و دیگر کارکنان اداری و فنی موسسات کیهان و اطلاعات تصمیم به واکنش بگیرند و از ادان خبر و انجام کار روزانه خودداری کنند و قلمها و ابزار کار را بعنوان اعتراض به موجودیت مستقیم سانسور از سوی فرمانداری - نظامی زمین گذارند .

بدین صورت در روزنامه عصر ایران ، صرفنظر از خط وریسط سیاسی و موضع گیریهای گوناگون و بیجا و بیجای آنها ، بقیه در صفحه ۱

این همه را بنده درم تنه وان کرد

بقیه مقدمش یارب

طی تماسهای حضوری و تلفنی و پیامی تهدید می شوند " دستگاه باصطلاح " آزادی عطاکننده " که ماهیتی جز وابستگی به سلطه خارجی ندارد و در این خط خیسز استبداد روشی نمی شناسد، تحمل وضع " نیم بند " کنونی را نیز نتوانست چند صباحی ادامه دهد .

اعتصاب کادرهای مطبوعاتی ایران بر ضد سانسور و اختناق و همبستگی همگانی آنان بگونه گروهی که از همه خرابکارها و نابسامانی ها و فشارها آگاهی کامل دارند و آشکارتر شدن پیوستگی آنان بصوف ملت بپا خاسته ایران بدنبال کشتارهای فردی و جمعی، برای همه مبارزان راستین راه آزادی و استقلال ایران امید آفرین است .

خبرنامه جبهه ملی ایران در تمام مراحل اعتصاب هم آواز و همگام این گروه شرافتمند و روشنفکر ایران باقی خواهد ماند و از هیچگونه یاری و ممددکاری دریغ نخواهد کرد .

بقیه جریان اعتصاب بقیه از صفحه ۱

پس از گذشت ۵۱ سال (عمر اطلاعات) و ۳۷ سال (عمر کیهان)، برای نخستین بار بعزت خفقان حاکم برفضای فکری و سیاسی ایران انتشار پیدا نکردند . کارکنان روزنامه آیندگان (باز تکرار میشود صرف نظر از اهمیت مدیرو کارگزاران اصلی آن که خود از گماشتگان خفقان هستند) نیز بخاطر سر همدردی با د روزنامه عصر تهران، دست از کار کشیدند و به اعتصابیان پیوستند .

اعتصابیان با هشیاری هر چه تمامتر بدنبال دادن تمرکز بمبارزات حق طلبانه خود و گرینش نمایندگان واقعی، نخستین قطعنامه خود را بشرح زیر اعلام کردند :

قطعنامه مشترک نویسندگان، کارکنان اداری و کارگران فنی روزنامه های آیندگان، اطلاعات، کیهان :

- ۱- اعلام لغو کامل سانسور مطبوعات از طریق چاپ اعلامیه رسمی دولت در اولین شماره روزنامه ها .
- ۲- عدم دخالت و اعمال نفوذ مستقیم و یا غیر مستقیم قوه ی مجریه و کلیه دستگاههای وابسته و مقامات دولتی در امر تهیه، تنظیم، انتخاب تیتر و صفحه بندی و نشر خبرها و آزادی فعالیت کلیه نویسندگان، خبرنگاران، عکاسان و نمایندگان مطبوعات در سراسر کشور .
- ۳- تضمین امنیت و مصونیت سیاسی و شغلی جامعه مطبوعات، بنحوی که جز از طریق استناد به مواد قانون اساسی هیچ عضوی از جامعه مطبوعات از سوی هیچ مرجعی تحت تعقیب قرار نگیرد .
- ۴- برای تضمین تحقق این خواست ها دولت باید رسماً و کتبا متعهد گردد و این تعهد در اولین شماره روزنامه ها چاپ و از طریق راد یو تلویزیون به آگاهی عموم ملت ایران برسد .

نمایندگان اعتصابیان مطبوعات :
قطعنامه مشترک با مضای نمایندگان رسیده است که از سوی نویسندگان و کارکنان سه روزنامه تهران انتخاب



شده اند و نامه های آنان به ترتیب الفبای شرح زیر در پایان اعلامیه ها آمد است :

محمد ابراهیمیان - محمد بلوری - رضاتعیوری - ابوالفضل حقیقی - سیفاله رسولی نیا - جواد طالعی - محمد عتیق پور - محمد علی علی اکبری - منوچهر فاضل - بیژن قوامی شیرازی - آصف کریمی - فیروز گوران - حمید معینی .



پی آمد اعتصاب روزنامه ها :

نخستین اثر این اعتصاب برخاستن موج حق شناسی و احترام ایرانیان نسبت به نویسندگان است که در ایمن شرایط تاریخی هم جای واقعی خود را در صف آزاد بخوانان و استقلال طلبان، بدست آوردند و هم بعزت اهمیت کار و روشنگری بی سابقه خود توانستند در قلب هریرانی میهن دوست و حق طلب درخت دوستی و محبت به نشانند .

و بامداد امروز نمایندگان از سوی جامعه بازرگانان و اصناف و پیشه وران بازاری تهران وابسته به جبهه ملی ایران و کانون و کلاه و قضا دادگستری و دانشجویان دانشکده علوم ارتباطات، به موسسات مطبوعاتی که به عنوان اعتراض - اعتصاب کرده اند مراجعه کردند و به نشان سپاس و حسب شناسی دسته های گل به آنان تقدیم شد .

این حرکت میهنی بهمان اندازه که برای مردم بزرنجیر کشیده ایران امید آفرین است برای " دستگاه استبداد " که به تمام معنی در کلیه شئون مردمی و اجتماعی از ملت بریده است، شکست عظیمی بشمار آمد و است و بهمین دلیل در برابر امواج تحسین ملی به تفتین ضد ملی پرداخته است .

از آن جمله در اخبار ساعت ۱۴ (۱۹ مهرماه ۱۳۵۷) فقط بد ذکر اعتصاب کارکنان روزنامه ها بسند کرده است و شیوه ای از عدم انتشار روزنامه ها سخن بمیان آورد که ممکن است مردم آنرا در رابطه با " مسائل رفاهی " و " خواست های مادی " بداند در حالیکه " علت اعتصاب امروز اعضای هیات تحریر به روزنامه اطلاعات (و کیهان و آیندگان) صرفاً بخاطر سانسور مستقیمی بود که رسماً فرمانداری نظامی در روزنامه برقرار کرد و اعضای تحریری این موسسه بعنوان اعتراض از این دخالت و سانسور مستقیم در امر تهیه و تنظیم و تیتر گذاری اخبار روزنامه دست به اعتصاب زدند و بدون شک چنانچه این وضع ادامه داشته باشد هیچیک از اعضای تحریری روزنامه بگاز

بنده جریان اعتصاب

از صفحه ۲

ادامه نخواهند داد

اعتصاب شکوهمند کارکنان و نویسندگان روزنامه های عصر تهران در جامعه روزنامه نگاران ایران نیز اثر فراوان باقی گذاشت نویسندگان و کارکنان نشریات دنیای ورزش، تهران ژورنال، ژورنال دوتهران، اطلاعات جوانان، اطلاعات بانوان، اطلاعات هوایی و اطلاعات ماهانه وحشی رستاخیز و دیگر جراید بلافاصله از ظهر چهارشنبه دست از کار کشیدند و به صفوف اعتصاب بیان پیوستند

اخبار این اقدامات توسط خبرگزاریهای خارجی بسر تا سر جهان ارسال گردید و یکبار دیگر پرغم پشتیبانی سلطه گران جهان از خوار و تملینات مزورانه امپریالیستی - توتالیترستی چهره ریاکارانه نظام حاکم بر ایران را به همه مردم جهان نشان داد

هدشدار اعتصابیان:

کار دانی روزنامه نگاران اعتصابی و پیش بینی های آنان از هم اکنون اقدامات خرابکارانه احتمالی دستنه استبداد راباز شناسی کرده است وظی اطلاعیه ای یاد آوری شده است

۱- هر فردی، تحت هر عنوان و با هر توجیه بخواد هد بهانه ای برای ایران گیری از جز جز تصمیمات ایراد شده بگیرد یا ماموریت اخلال گرانه یا اشتباه میکند: مجال خرافاتی به اینگونه افراد ندهید و از هر حیثی بیرهنیزید. توجیه اشتباه همکاران را نیزیم بعد واگد ار کنید.

۲- هر لحظه آماده باشید که اگر شکلی برای هر یک از دوستان شما پیش آمد، موج اعتراض خود را از طریق آگاه ساختن افکار عمومی، گسترش دهید و در صورت لزوم با دست زدن به اعتصاب غذای گروهی، خشونت ها را خنثی کنید.

۳- هر نوع مذاکره، با هر مقام را، جز از سوی نمایندگان خود که پای قطعنامه را امضا کرده اند، تحریم کنید و تمام نیروی خود را صرف تقویت موضع نمایندگان خود سازید.

۴- هر نوع آید، سازشکارانه ای را از سوی هر کس مطرح شد، بشدت محکوم کنید.

نظارت بر چاپخانه روزنامه ها:

بد نیال اعتصاب دستان کارکنان و نویسندگان تصمیم گرفتند جهت دادن آگاهی مردم ایران بنشر اعلامیه های مبادرت ورزند " لیکن بعلمت و خالت وزارت اطلاعات و جهانگردی و تهدید به اینکه چاپ چنین اعلامیه خلاف قوانین و مقررات چاپخانه است " از انجام آن جلوگیری بعمل آورند و بهمین دلیل اعلامیه های متعددی که تماماً بد فتر خبرنامه جبهه ملی ایران رسیده جهت اینکه برای چاپخانه ها و کارگران آن " مضایقی پیش نیارود " بصورت پللی کپی انتشار یافته است.

دستگیری چهار دانشجو و دانشآموز در اداره روزنامه:

در رابطه با اعتصابهای دانشجویی و دانشآموزی، گروهی از جوانان و نوجوانان جهت طرح تقاضاهای خواست ها و مشکلات خود به پهلن طبقه اول روزنامه اطلاعات ترفته بودند اما متأسفانه پیش از آنکه این گروه

بتوانند سخنان خود را با هیئت تحریریه روزنامه در میان بگذارند، گروهی از مأموران انتظامی مبادرت به پراکنده کردن آنها و دستگیری چهار نفر شان کردند " نویسندگان روزنامه اطلاعات این اقدام و شکستین حرمت حریم یک روزنامه و دستگیری چهار جوان و نوجوان معتقد در مساحت مطبوعات را محکوم کرده اند و بهمین دلیل آزادی این چهار تن نوجوان معتز را بگونه یکی از خواسته های خود اعلام داشته اند.

مصاحبه حضرت آیت اله العظمی خمینی:

خبرگزاری اسوشیتد پرس عمده مطالب سانسور شده روزنامه ها را مربوط به مصاحبه حضرت آیت اله العظمی خمینی و نیز چاپ تصویری از معظّم له میدانند که بتازگی از پاریس به تهران رسیده است. در روزنامه های سانسور شده مطالبی از دیگر مراجع و رهبران ملی و مذهبی نیز چاپ رسیده بود.

ای کاش وطنی داشتیم و شما برو خاکش

قدم میگذرانید...

این جمله شعرگونه، قسمتی از نامه زیبا و فراموش نشدنی یاسر عرفات رهبر جنبش آزاد بیخسر فلسطین به حضرت آیت اله العظمی خمینی رهبر شیعیان مبارز جهان است که طنین آن قلب ملت ما را نشود و از چشمها اشانند. جاری ساخت و پیش از هر چیز کشورهای انقلابی نمای عرب را به رسوائی کشید.

روز دوشنبه ۱۷ مهرماه این جمله درخشان با حروف بسیار بزرگ، سرتیتر صفحه اول یکی از روزنامه های عصر بود. اما هیچکس آنرا ندید، چرا که پیش از انتشار مأموران سانسور و ساواک و حکومت نظامی به دفتر روزنامه ریختند و به زور صفحه اول روزنامه را تغییر دادند و در عوض وعده توخالی اضافه شدن دستمزدها را با حروف درشت سرتیتر روزنامه کردند.

بارد یگر از آقای شریفی ماسی سوال می کنیم که آیا نمی دانند چه کسانی به این اعمال گستاخوی سانسور دست میزنند؟ و سوال دیگر اینکه شما با آن همه توپوتانک و مسلسل و جلائی که در اختیار دارید چرا از یک جمله شعرگونه جنان در " وحشت بزرگ " فرو میزویید؟

خبرنامه جبهه ملی ایران

در خدمت حکومت استبداد و آزادی ایران قرار دارد

بسم الله الرحمن الرحیم مقاله و خبر، همکاری خود را با آن استوار سازید

تپیر زلف آشفته

از ریتسوس، شاعر یونانی

يك لحظه سكوت برای "مردگان"

این ملت جز در برابر مردگان زانو نمی زند

و تانك ها نزد يك می شوند، نزد يك می شوند،

"پرچم ها بالاتر، بالاتر"

تانك ها به کسانی که زانو زدند نزد يك می شوند

— "زند و باد و زنده باد — کدام مرگ؟"

این جا مرگی نیست — "زند و باد"

تانك ها از روی کسانی که زانو زدند اند می گذرند

يك بار دیگر از روی کشته شدگان می گذرند

— این جا مرگی نیست، فقط زندگی و آینده است،

و "زند و باد" و "زند و باد"

پرچم افراشته تر — دانشجویان

آزادی بامرگ — پرچم را نگهدارید

"مبارز" در زیر تانك ها

پرچم را نگهدارید — "مبارز" در زیر تانك ها —

بازویش که بیرون آمده

پرچم را گرفته — آزادی بامرگ

آزادی بامرگ — کدام مرگ؟

این جا مرگی نیست، فقط زندگی و آینده است

"زند و باد" و "زند و باد"

و "زند و باد" ادامه دارد

دستخط سانسورچی

۱- منیلهب دارد و دلیل

۲- سرچشمی دستها را نمیداند (کلیشه) (مستحق توبه در این است) (مستحق توبه در این است) (مستحق توبه در این است)

۳- کف اسلحه را نمیداند (کلیشه) (مستحق توبه در این است) (مستحق توبه در این است) (مستحق توبه در این است)

۴- در برابر اسلحه و توبه

۵- اسلحه را نمیداند (کلیشه) (مستحق توبه در این است) (مستحق توبه در این است) (مستحق توبه در این است)

۶- کف اسلحه را نمیداند (کلیشه) (مستحق توبه در این است) (مستحق توبه در این است) (مستحق توبه در این است)

۷- اسلحه را نمیداند (کلیشه) (مستحق توبه در این است) (مستحق توبه در این است) (مستحق توبه در این است)

۸- اسلحه را نمیداند (کلیشه) (مستحق توبه در این است) (مستحق توبه در این است) (مستحق توبه در این است)

کلیشه! دستخط یکی از افسران فرمانداری نظامی که در روز ۱۹ مهر ما برای اعمال سانسور به روزنامه کیهان رفته بود. این دستخط خود سندی است رسواکننده که ماهیت نظام حاکم و خفقان مسلط را بخوبی نشان میدهد.

قانون اساسی و حقوق بشر یعنی زائد!!

از ابتکارات سانسورچیان با این قانون کلمه (زائد) است که هر مطالب درست و عین حقیقت از نظر اینان زائد خوانده می شود. یکی از مدبران روزنامه قدس و ملی ایران و از محققان و نویسندگان سرشناس ۲۰ روز است مقاله ای انتقادی برای لایحه مطبوعات نوشته و به کیهان فرستاده است. باد لایل بسیار استوار و محکم این لایحه را برخلاف قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر دانسته است ولی نیکی از مقاله با عنوان (زائد) سانسور و از درج آن جلوگیری بعمل آمده. زائد از نظر سانسورچیان یعنی هر چیزی که منطبق با قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر و منافع ملی باشد.

همه با هم در راه آزادی و استقلال ایران